

# هشدارها و پاسخ‌ها

مناظره احمد زیدآبادی و مهدی نصیری با موضوع بررسی نسخه‌های «اصلاح یا انقلاب»/بخش پایانی



## دفاع از حقوق آحاد مردم را وظیفه شرعی ام می‌دانم

مهدی کروی بی‌خستین بیانیه خود پس از رفع حصر را منتشر کرد. در این بیانیه با اشاره به سابقه حصر آمده است: در پاسخ به تلاش روسای محترم قوه مجریه و قضائیه در پایان دادن به این رفتار غیرقانونی، ضمن تشکر از پیگیری آنان به اطلاع رساندم که اینجانب و مهندس موسوی در یک پرونده و مطابق یک دستور... که مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست، محصور و از حقوق قانونی مان محروم گشته‌ایم.

وی با تأکید بر اینکه ترجیح می‌دهد است رفع حصر به اتفاق میرحسین موسوی و زهرا رهنورد باشد، افزوده است: در آستانه نوزاد از تصمیم مقامات امنیتی مبنی بر ترک نیروهایشان از منزل مان در بیستم فروردین ماه سال جاری مطلع شدم. ان‌شالله به زودی هم شاهد پایان حصر دوست و برادر عزیزم مهندس موسوی و همسر گرامی‌شان خانم دکتر رهنورد باشیم. کروی در ادامه بیانیه خود آورده است: خروج اینجانب از حصر همزمان شده با ابربحرانی که ملک و ملت را در همه ابعاد گرفتار و کشور را تا آستانه ورشکستگی و جنگی ویران‌گر پیش برده است. به باور من ریشه بخش مهمی از این ابربحران را باید در همان پروژه‌های جمهوری‌نژادایی... در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ جست‌وجو کرد.

وی همچنین در این بیانیه با اشاره به اینکه با تبعید، زندان و محدودیت بیگانه نبوده و نیستیم، آن چنان که در جوانی زندان و شکنجه‌های ساواک پهلوی مرا از میدان به در نکرد و در میانسال مسند صدارت و قدرت چشمانم را کور نکرد و در سالمندی توهین، حرمت‌شکنی، فشار و سپس حصر طولی‌المدت موجب سکونم نشد، اضافه کرده است که: «من همچون گذشته خود را متعهد می‌دانم که در دفاع از حقوق یکایک مردم، فارغ از نگاه و باورشان، زبان در کام بگیرم و از حقوق شرعی و قانونی و آزادی‌های مشروع آنان دفاع کنم. خدا را هم گواه می‌گیرم که دفاع از حقوق آحاد مردم را وظیفه شرعی و ملی ام می‌دانم چراکه بر این باورم که ایران متعلق به همه ایرانیان است.»

وی در انتهای بیانیه خود آورد: در پایان هم وظیفه دارم از همه کسانی که در این سال‌ها به طرق مختلف محصورین را مورد حمایت و محبت خود قرار دادند، تشکر و قدردانی کنم.



## صداوسیما برای کشور هزینه ایجاد می‌کند

مهدی سنایی، معاون سیاسی رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با «ایران سال» گفت: «در مراحل توسعه سیاسی با یک عقب‌ماندگی تاریخی مواجه هستیم و هنوز به آن وفای اجتماعی که موجب رعایت حقوق دیگران می‌شود نرسیده‌ایم.» وی در ادامه افزود: «متأسفانه این اصول به‌طور روزمره توسط برخی از سیاستمداران در کشور ما نقض می‌شود. فردی در رسانه یا تلویزیون به اظهارنظر می‌پردازد و نتهنای دیدگاه خود را بیان بلکه برای کشور هم هزینه ایجاد می‌کند و به جای انتقاد سازنده به تخریب روی می‌آورد. عدم رعایت این مرزها ناشی از عدم درک صحیح از «وفای اجتماعی» است. «منافع ملی» کشور در واقع بر همین وفای اجتماعی استوار است. سنایی تصریح کرد: «وفای» یک رویکرد است و نه لزوماً یک گفتمان. دولت در عرصه سیاست داخلی و خارجی، گفتمان‌های خاص خود را دارد؛ به عنوان مثال تمرکززدایی که از سوی رئیس‌جمهوری و برخی از اعضای دولت مطرح می‌شود یک گفتمان است. اما «وفای» در واقع رویکردی است که به ما می‌گوید گفتمانی را که تعریف می‌کنیم و اهدافی را که کشور دنبال می‌کند باید از طریق «وفای» پیگیری کنیم، بنابراین نباید این دو مفهوم را با یکدیگر اشتباه کرد. «وفای» گفتمان دولت نیست، بلکه روش و رویکرد دولت برای تأمین اهدافی است که کشور دارد و در راستای گفتمانی است که دولت به آن باور دارد.»

چندی پیش، احمد زیدآبادی و مهدی نصیری دو روزنامه‌نگار و فعال سیاسی، مناظره‌ای را با موضوع «دوگانه اصلاح یا انقلاب؟!» به میزبانی استودیو پات برگزار کردند که طی این مناظره، مباحثی پیرامون موضوع از سوی دو طرف عنوان شد. آنچه در زیر می‌خوانید، بخش پایانی مناظره‌ی برگزار شده است.

### احمد زیدآبادی:

**این توهم است که اینها می‌روند و همه گروه‌ها می‌آیند و ما می‌گوییم بسیار خوب، صندوق بگذاریم و همه بیایند رای بدهند. اولاً که چه کسی می‌خواهد آن صندوق را بگذارد. ثانیاً اینکه کدام یک از اینها حاضر هستند**

**وقتی از صندوق بیرون نیامدند، نتیجه را قبول کنند و کنار بنشینند؟**

**هیچ کدام از اینها که صندوق نمی‌پذیرند.**

**الان که خبری از قدرت نیست، نمی‌گذارند کسی**

**حرف بزنند و توهین می‌کنند، آن موقع تن به صندوق می‌دهند؟**

### زیدآبادی: قبول ندارم انقلاب غیرارادی است

زیدآبادی در بخشی از این مناظره با اشاره به علائم تغییراتی که اتفاق افتاده گفت: «فکر می‌کنم تحلیل‌شان از صحبت‌های من یک مقدار واقع‌بینانه نبود، چون ما علائمی از تغییر را اسم می‌بریم که به هر دلیلی اتفاق افتاده است، ایشان اینها را حمل بر این می‌کنند که می‌گوییم همه چیز دارد درست و اصلاح می‌شود ولی چنین چیزی نیست. من نشانه‌های تغییر را توضیح دادم، ایشان می‌گویند ممکن است پشت این علائم توطئه و برنامه‌ای باشد. حتی باشد، چون صاحبان قدرت همه جا برای حفظ قدرت‌شان همه کاری می‌کنند، قدرت چیزی نیست که فکر کنید کسی می‌آید و فی‌سبیل‌الله واگذار می‌کند، تا توازن اجتماعی برهم نخورد که این کار را نمی‌کند.

دوم اینکه من ایران را با کشورهای دیگر مقایسه نکردم. گفتم که مخالفین اینها می‌توانند همان تصویر را ارائه کنند و می‌کنند، از همین موضع وارد شدم. نهایتاً این بخش از حرف شما، تناقض آمیز به نظر می‌رسد یا حداقل نیاز به توضیح دارد. «انقلاب یک امر ارادی نیست و اتفاق می‌افتد.»

من چنین چیزی را اساساً قبول ندارم و ده‌ها بار هم توضیح داده‌ام که اینکه می‌گویند انقلاب می‌شود، مقداری سفسطه‌آمیز است. بله، ممکن است کشور هر وقت آموزش مختل شود و به مطالبات اجتماعی پاسخ ندهد؛ مردم ناراضی می‌شوند و مردم ناراضی هم طغیان می‌کنند. اما انقلاب به آن معنا مستلزم یک فضای فکری و یک

ایدئولوژی‌سازی است که روشنفکران آن را انجام می‌دهند. فکر می‌کنید که بدون وجود مرحوم شریعتی، مجاهدین خلق، مرحوم آقای خمینی، مرحوم طالقانی و مرحوم منتظری و افراد دیگر، در سال ۵۷ انقلاب اتفاق می‌افتاد؟ خُب اتفاق نمی‌افتاد دیگر.

اینها می‌آیند و شرایط ذهنی را آماده می‌کنند. اگر شرایط عینی آماده باشد، با هم تطبیق شده و انقلاب می‌شود. پس اینطور نیست که یک امر غیرارادی باشد.

یک قسمتی هم گفتند

ولی ما می‌خواهیم این اتفاق بیفتد و آن را مثبت می‌دانیم. اگر دارد اتفاق می‌افتد، ما فقط نمی‌توانیم وصفش کنیم. در حالی که می‌گویید می‌توانیم در آن دخالت کنیم. شما می‌گویید که جامعه مستعد یک طغیان است، بالاخره مردم گرسنه و فقیر هستند اما گرسنه به آن مفهوم که هیچ چیز نتوانیم بخوریم نیست، بیشتر فقیر هستیم.

می‌گویید ممکن است طغیان اینها را پیش‌رو داشته باشیم و شما باید پیشاپیش، یک سازمان و گروهی تأسیس کنید و صورت بگیرد که نتواند آن را کنترل کند که منظورشان این نیست، منظورشان این است که آنها را به سمت انقلاب هدایت کند، یعنی بروند نهادها را بگیرند. ما می‌دانیم که وقتی از انقلاب و امتناع و امکان‌ش حرف می‌زنیم، یک بحث این است که در ایران اساساً چقدر می‌شود در داخل کار تشکیلاتی انجام داد. این هم چیزی است که سیستم جلوی آن را می‌گیرد. همین آقای نصیری که الان صحبت می‌کند، یک فرد است؛ چنانچه آقای محمدنوری‌زاد هم تا وقتی فردی بود خیلی هم صحبت می‌کرد؛ همین که چند نفر را دور هم جمع کرد که چیزی را امضا کنیم، با او برخورد کردند. آقای قمی هم وقتی فردی بودند کاری با آن نداشتند، وقتی گفتند برویم و جمع شویم، برخورد کردند.

اینجا امکان سازمان‌دهی نیست. دوره شاه، امکان تشکیلات مخفی وجود داشت و یکسری سلسله‌سازمان‌های مخفی مثل مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی و حزب توده وجود داشت که همه هم مخوف از کار درآمدند. الان که با توجه به وسایل ارتباطی، مخفی معنی ندارد و فوراً کشف می‌شود. دوره شاه، یک تشکیلات سنتی به اسم روحانیت وجود داشت که تمام اجزای آن در کشور با تمام هیئت‌های همراه آنها و بازاریان بخش بودند که الان هم این نیست. شما در داخل نمی‌توانید تشکیلات داشته باشید. در بیرون هم که ما تشکیلات نمی‌بینیم، تشکیلات هم فقط مجاهدین خلق هستند. سلطنت‌طلبان تشکیلات‌شان کجا بود؟ آنها فکر می‌کنند که از طریق ارتباط‌گیری مثلاً با اسرائیل و نوعی تأمین اطلاعات امنیتی از جانب آنها، می‌توانند بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. سه چهار تا چیز هم مانند شورای گذار ساخته شد که از دایره خود اینها هم خارج نشد.

در بیرون که شما نمی‌توانید تشکیلات درست کنید. آنجا افرادی که وجود دارند، باید کار کنند و گرنه گرسنه می‌مانند. مجاهدین هم که تشکیلات دارند، اتفاقاً اگر اینجا آن اتفاق بیفتد، ورود آنها یک مصیبتی است که هیچ‌وقت راجع به آن جواب نمی‌دهید. فکر می‌کنند که اینجا نمی‌آیند. اینجا به هم بریزد می‌آیند،

مجاهدین با ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر نیروی تشکیلاتی خیلی کارها می‌توانند انجام دهند. می‌گویید اینجا با توجه به مجموعه ناکارآمدی‌ها، به‌هم‌ریختگی‌ها و نابسامانی‌ها، یک آتش‌فشانی از خشم درست شده است. اما از داخل مجموعه‌ای که گفتید، همین الان هم مشخص است مدنیت از آن خارج نمی‌شود.

فعلاً که در حوزه گفتار و حرف اینقدر خشن است، ببینید پای عمل بخواد فرا برسد، چه می‌شود. بعد هم، چرا می‌گویید الان سواد مردم بیشتر از آن موقع است؟ بله، مردم یک چیزهایی را می‌فهمند، ولی جامعه نسبت به آن موقع هم ده برابر پیچیده شده است. مجموعه متونی هم که تولید شده، هزاران و میلیون‌ها برابر آن موقع است. فقط انسان امروزی، یک مقداری شاید ناآگاه‌تر از انسان دیروزی باشد، چون مجموعه دانش آن روز، در ده دوازده کتاب بود و اگر می‌خواندی مسلط بودی. الان میلیون‌ها منبع وجود دارد که به هر چیزی نگو می‌زنند و می‌روند. همین‌ها را هم که دیده‌ایم خیلی‌ها مطالعه نمی‌کنند. همین حرف‌ها را ما هم گوش نمی‌دهند، دو سه تا برش را پیدا می‌کنند و به من یا شما فحش می‌دهند.

### زیدآبادی: با فروپاشی چه می‌خواهید بکنید؟

زیدآبادی در پاسخ به اینکه «پس شما فردای براندازی را به مراتب سیاه‌تر از امروز می‌بینید؟» تصریح کرد: «الان که شرایط خیلی بد است، ما روزانه آن را در همه ابعاد نقد می‌کنیم. ولی بشر که بین خیر و شر مخیر نیست، این مهم است. اگر همین نظم و ثبات از هم بپاشد، نه فقط بد می‌شود، بلکه من فکر می‌کنم ایران ده سال روی ثبات را نخواهد دید. کسی که می‌خواهد جمعش کند کیست؟ با کدام تشکیلات، کدام نفوذ، کدام اراده، کدام امکانات می‌خواهد جمعش کند؟ موضوع بعد تمام این شکاف‌هایی است که دیده می‌شود.

فرض کنید اینجا قدرت مرکز از هم بپاشد، براساس کدام اصل ممکن است که جیش‌العدل کل بلوچستان را بگیرد؟ و اگر بگیرد، شما چطور می‌خواهید پس بگیرید؟ بنابراین ریسک برهم زدن نظمی که ناعادلانه است، بیش از تحمل نظم ناعادلانه است؛ چون از درون آن می‌تواند بی‌ثباتی بیرون بیاید. الان من و ایشان، ناراضی هستیم ولی هنوز امکان این وجود دارد که از اینجا ماشین بگیریم و خانه برویم. وقتی که این را از دست می‌دهیم متوجه می‌شویم چه اتفاقی افتاده است و به نظرم اگر نظم از هم بپاشد، جرأت این کار را نخواهیم

